

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

رشته فقه و حقوق اسلامی

احکام حکومتی و نسبت آن با احکام اولیه و ثانویه

پژوهشگر:

حمید فاضل نیا

کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی

استاد راهنمای اول:

دکتر رضا نیک خواه

استاد راهنمای دوم:

حجت الاسلام والمسلمین صفدر محمدی

شهریور-۱۳۹۴

تقدیم به

ساحت قدسی مولی الموحدین قائد غرالمحجلین امام امیر المومنین و ام الائمه مولاتنا حضرت

فاطمه زهرا (سلام الله علیهما)

تشکر :

سپاس بی حد خدای سرمد را که به ما توفیق تعلم داد و شکرانه را تعلیم دیگران قرار داد با تشکر فراوان از اساتید عزیزم دکتر نیکخواه و حجت الاسلام والمسلمین صفدر محمدی که با راهنمایی‌ها و ارشادهای ذی قیمت و دلسوزانه خویش مرا در تنظیم و تألیف این رساله یاری کردند و همچنین عرض خسته نباشید خدمت تمامی اساتید گروه فقه و حقوق دانشگاه ارومیه مخصوصاً حجت الاسلام دکتر سید مهدی قریشی، حجت الاسلام حیدری زاد، دکتر جوادی، دکتر علی پور و سایر اساتید و مسئولان محترم.

چکیده

از مشکلات امروزه جامعه مسلمین در ارتباط با حکومت اسلامی، عدم شناخت نسبت به احکام صادره از سوی حاکم شرع می باشد. و این عدم شناخت، ناشی از این است که آیا حکم حاکم وجهه دینی و شرعی دارد یا نه؟ منشأ شبهاتی از این دست، جنبه تاریخی قضیه است که نوعاً شیعه در طول تاریخ از مقوله حکومت و تلاش برای تصدی حاکمیت و تشکیل حکومت دور بوده است. به همین جهت بحث از حکومت و احکام حکومتی امری بی فایده و دست نیافتنی تلقی می شد. با وجود این دیدگاه، احکام حکومتی و متولی آن، جایگاه شرعی نخواهد داشت. در حالی که این دیدگاه مخالف عقل و نصوص دینی دال بر لزوم حکومت در هر اجتماعی خصوصاً اجتماع مسلمین است. چنانکه امیرمؤمنان امام علی علیه السلام می فرمایند: «لا بد للناس من امیر بر او فاجر» و همچنین مقبوله عمر بن حنظله و روایات دیگر که بر تشکیل حکومت و وجود حاکم و شرایط آن دلالت می کند. و نیز وجود احکام حکومتی در قرآن و روایات صادره از پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام دال بر این مطلب است. اگر این نصوص صریح با قطع نظر از صدور حکم از حاکم، بر شرعی بودن شخص حاکم تفسیر کنیم، چنین نظری نتیجه ای جز سکولار بودن حکومت نخواهد داشت.

البته حکم حکومتی با توجه به زمان، مکان و مصالحی که در جامعه وجود دارد صادر می شود. در طی این تحقیق مشخص شد که احکام صادره از حاکم عین احکام اولیه یا ثانویه است. در نهایت احکام حکومتی بعضاً موصوف به اولیه و گاهی موصوف به ثانویه است. نتیجه این که متولی حکومت اسلامی، مطاع بوده و احکامش لازم الاجرا است حتی برای فقهای هم عصر خود. لذا در صورت تعارض حکم حاکم با احکام سایر فقهاء، تقدم با حکم حاکم شرع خواهد بود.

واژگان کلیدی: حکم، حکومت، حکم حکومتی، حکم اولی، حکم ثانوی.

چکیده.....ج

مقدمه.....۱

طرح مساله:.....۲

پیشینه تحقیق.....۳

اهمیت و ضرورت موضوع.....۴

فرضیه تحقیق.....۵

اهداف تحقیق.....۶

فصل اول:.....۷

بررسی و تحلیل مفهوم احکام حکومتی در فقه شیعه و اهل سنت.....۷

مقدمه.....۷

مبحث اول: تبیین مفاهیم اساسی تحقیق.....۸

۱. مفهوم لغوی حکم.....۸

۲. معنای اصطلاحی حکم در فقه و اصول.....۱۰

۳. معنای اصطلاحی حکم در حقوق.....۱۰

۴. حکومت در لغت.....۱۱

۵. حکومت در اصطلاح.....۱۱

۶. تقسیم بندی احکام..... ۱۲
۷. تعریف احکام اولیه و ثانویه..... ۱۴
۸. ویژگی احکام ثانویه..... ۱۵
۹. تعریف حکم حکومتی..... ۱۶
- ۱۰- ویژگیهای احکام حکومتی..... ۱۹
- ۱۱- فلسفه احکام حکومتی..... ۲۰
- مبحث دوم: احکام حکومتی در فقه شیعه و اهل سنت..... ۲۱
۱. بررسی حکم حکومتی از منظر فقه امامیه..... ۲۱
۲. بررسی حکم حکومتی از دیدگاه فقه اهل سنت..... ۲۳
۳. متولی حکم حکومتی..... ۲۴
- ۱- ۳. شرایط متولی حکم حکومتی..... ۲۶
- ۲، ۳. وظایف متولی حکم حکومتی..... ۳۱
۴. نقش حکم حکومتی در حل مسائل نوین جامعه..... ۳۳
۵. نمونه های احکام حکومتی..... ۳۵
- ۵-۱. احکام حکومتی صادره در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)..... ۳۵
- ۵-۲. حکم حکومتی صادره در زمان اهل بیت(علیهم السلام)..... ۳۶

۳۷..... ۳-۵. احکام صادره از غیر معصوم

۳۸..... ۱-۳-۵. احکام صادره از زمان غیبت تا انقلاب

۳۹..... ۲-۳-۵. احکام صادره در زمان امام خمینی

۴۰..... ۳-۳-۵. احکام صادره از سوی مقام معظم رهبری

۴۳..... فصل دوم : احکام حکومتی در پرتو زمان، مکان و قاعده مصلحت

۴۳..... مقدمه

۴۴..... مبحث اول : احکام حکومتی و مصلحت

۴۵..... ۱. احکام حکومتی

۴۵..... ۱-۱. مبانی اصلی تبیین و وضع احکام حکومتی

۴۵..... ۱-۱-۱. حکومت اسلامی

۴۶..... ۲-۱-۱. عدالت اجتماعی

۵۰..... ۳-۱-۱. مصالح عمومی

۵۲..... ۴-۱-۱. نظم و امنیت عمومی

۶۱..... ۲-۱. مستندات احکام حکومتی

۶۱..... ۱-۲-۱. آیات

۶۳..... ۲-۲-۱. روایات

- ۳-۱. علل و شرائط صدور حکم حکومتی..... ۶۹
- ۱-۳-۱. مصلحت نظام:..... ۶۹
- ۱-۳-۲. جلوگیری از اختلال در نظام:..... ۶۹
- ۱-۳-۳. نفي مفسده..... ۷۰
- ۱-۳-۴. نفي حرج:..... ۷۰
- ۴-۱. جایگاه و موارد صدور حکم حکومتی در قانون:..... ۷۱
۲. مصلحت..... ۷۸
- ۱-۲. تعريف مصلحت..... ۷۸
- ۲-۲. مصلحت از دیدگاه امام خمینی..... ۸۰
- ۲-۳. عدالت و مصلحت..... ۸۱
- ۲-۴. نقش مصلحت در احکام حکومتی..... ۹۰
- ۲-۵. ضوابط تشخیص مصلحت..... ۹۳
- مبحث دوم: تاثیر زمان و مکان در حکم حکومتی..... ۹۵
۱. موقتی بودن احکام حکومتی..... ۹۶
۲. محدوده و قلمرو حکم حکومتی..... ۹۸
- ۱-۲. قلمرو زمانی احکام حکومتی..... ۱۰۳

۱۰۴	۲-۲. قلمرو مکانی حکم حکومتی.....
۱۰۶	فصل سوم: نسبت احکام حکومتی با احکام اولیه و ثانویه
۱۰۶	مقدمه.....
۱۰۷	مبحث اول: مناسبات احکام حکومتی با احکام اولیه.....
۱۰۷	۱. نسبت حکم حکومتی با حکم اولیه.....
۱۰۹	۲. تفاوت حکم حکومتی با حکم اولی.....
۱۱۱	مبحث دوم: مناسبات احکام حکومتی با احکام ثانویه.....
۱۱۱	۱. نسبت حکم حکومتی با حکم ثانوی.....
۱۱۱	۲. تفاوت حکم حکومتی با حکم ثانوی.....
۱۱۳	۳. فلسفه احکام ثانوی و خاستگاه صدور آن.....
۱۱۷	مبحث سوم: بررسی مناسبات حکم حکومتی با دیگر احکام.....
۱۱۷	۱. فرق حکم حکومتی با احکام دیگر.....
۱۱۷	۱-۱. فرق احکام مستحدثه با حکم حکومتی.....
۱۱۸	۱-۲. فرق بین قضا و حکم حکومتی.....
۱۱۹	۳-۱. فرق حکم و فتوا.....
۱۱۹	۲. تعارض حکم حکومتی با حکم های شرعی دیگر.....

۳. تعارض حکم حکومتی با فتوای مجتهدین ۱۲۱

۴. تراحم احکام در مقام اجراء ۱۲۳

۵. انواع مخالفت با حکم حکومتی ۱۲۷

۶. واقعی یا ظاهری بودن حکم حکومتی : ۱۲۸

۷. وضعی یا تکلیفی بودن حکم حکومتی ۱۳۰

نتیجه گیری و پیشنهادات ۱۳۳

منابع و مأخذ ۱۳۶

فارسی ۱۳۶

مقالات ۱۴۰

عربی ۱۴۲

مقدمه

عواملی برای جاودانه بودن شریعت مقدس اسلام وجود دارد که یکی از آن‌ها وجود قوانین ثابت و متغیر است که همواره اسلام را با توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و دیگر نیازهای جامعه بشری سازگار و قابل انطباق می‌کند. به فرموده شهید مطهری: از خصوصیات دین مقدس اسلام این است که همیشه روی حاجت‌های ثابت انسان، مهر ثابت زده است؛ اما حاجت‌های متغیر انسان را تابع حاجت‌های ثابت قرار داده است و این به عقیده شخص من اعجازی است که در ساختمان دین به کار رفته است. (مطهری، جلد ۱، صفحه ۱۳۲-۱۳۸)

یکی از مسائل مهمی که در فقه شیعه وجود دارد و در آثار و منابع فقهی و روایی شیعه در ابواب مختلف به طور ضمنی به آن اشاره شده، موضوع احکام حکومتی و رعایت مصلحت در صدور آن است که قبل از انقلاب اسلامی کاربرد چندانی نداشت چون که شیعیان در حاشیه بودند و حکومت و اداره آن در دست شیعه نبود و فقه از حکومت دور شده بود ولی بعد از ظهور انقلاب اسلامی و با برپا شدن حکومت اسلامی و ولایی و برخورد نظام جمهوری اسلامی ایران با مشکلات فراوان در راستای قانونگذاری، احکام حکومتی اهمیت مضاعفی پیدا کرد، و بحث در مورد این که حکم حکومتی چه ماهیتی دارد و از احکام اولیه است و یا ثانویه، یا این که قسم مجزایی در عرض آن می‌باشد رواج یافت. احکام و قوانین ثابت اسلام بر اساس مصلحت‌ها و نیازهای ثابت و دائمی انسان‌ها مقرر شده است مانند وجوب عبادات، طهارت، احکام نکاح و غیره، واحکام و مقررات غیرثابت هم بر اساس مصلحتها و نیازهای غیرثابت انسان شکل می‌گیرد که احکام حکومتی جزء این احکام (غیرثابت) است. در میان فقهای بزرگ شیعه افرادی توانسته‌اند به زوایا و ابعاد حکم حکومتی پی‌ببرند و با تحقیق در جوانب آن، و درک صحیح آن توانسته‌اند بسیاری از غوامض حکومتی و روایی و تعارض بین روایات را که برای برخی از محدثان و فقها بسیار صعب و دشوار می‌نمود حل کنند. امام خمینی با بینش عمیقی که داشته‌اند جوانب موضوع احکام حکومتی را به دقت تبیین نموده‌اند که آشنایی با آراء و دیدگاه‌های ایشان در این رابطه می‌تواند خواننده را به مبانی فقهی احکام حکومتی رهنمون سازد.

طرح مساله:

احکام حکومتی در فقه اسلامی، ریشه در قرآن و سنت دارد چرا که در قرآن و لسان پیامبر و ائمه علیهم السلام احکام حکومتی زیادی صادر شده است. ولی به مرور زمان و غصب حکومت و افتادن آن در دست حاکمان جور و ضد شیعه، احکام حکومتی از طریق علمای شیعه خیلی کم شد به حدی که تقریباً به فراموشی سپرده شد. ولی با ظهور حکومت اسلامی در ایران و همچنین پدیدار شدن موضوعات جدید از جمله گسترش شهرها و زیاد شدن وسایط نقلیه و نیاز به خیابان کشی و مواردی از این قبیل ... و همچنین ارتباطات بین المللی و یا در مورد اختلاف رؤیت هلال خصوصاً در ماه مبارک رمضان و نبود احکام در مورد این مسائل، نیاز به احکام حکومتی نمایان شد به همین جهت بعضی در مورد حکم حکومتی و نسبت آن با احکام دیگر که آیا از احکام اولیه است یا ثانویه و یا غیر ایندو و همچنین در متولی آن تردید و حتی ردّ کردند و این اختلاف نظرها و حتی بعضاً انتقادات بعد از انقلاب هم ایجاد شد و به همین خاطر کتابها و مقالات متعددی نوشته شد. قانونگذار هم در قانون اساسی به صراحت و با قوانین متعدد بر این امر مهم صحنه گذاشت. ما نیز بر آن شدیم به بررسی و جمع آوری آرای فقهاء و حقوقدانان و دلایل و مستندات این موضوع بپردازیم تا مورد استفاده محققین در این زمینه قرار گیرد.

در این نوشتار در پی آن هستیم تا در یابیم اولاً: آیا حکمی به نام حکم حکومتی وجود دارد؟ ثانیاً: ادله و مستندات آن کدام است؟ ثالثاً: متولی چنین حکمی چه کسی می باشد؟ و رابعاً: اختیارات متولی حکم حکومتی تا چه حد است؟

پیشینه تحقیق

در زمینه احکام حکومتی کتب و تحقیق و پژوهش های زیادی با عناوین مختلف صورت گرفته است که هر کدام به بعد خاصی از این موضوع پرداخته اند ولی به طور مستقل به بررسی رابطه بین احکام حکومتی و سایر احکام پرداخته نشده است. از جمله کتابهایی که در این زمینه تدوین شده است کتاب «احکام حکومتی و مصلحت» صیف الله صرامی و «مصلحت در فقه شیعه و سنی» اسد الله توکلی و همچنین «فقه سیاسی» عمید زنجانی می باشد و از جمله مقالاتی که در این زمینه تدوین شده است با موضوع «نیم نگاهی به احکام حکومتی امام خمینی (ره)» و «مقایسه بین احکام حکومتی و احکام ثانویه» می باشد. لذا این پژوهش در صدد است تا مستقلاً به بررسی رابطه احکام حکومتی با احکام اولیه و ثانویه بپردازد.

اهمیت و ضرورت موضوع

با پیروزی انقلاب اسلامی و پیدایش حکومت اسلام و ولایت فقیه توجه علما و صاحب نظران، چه اسلامی و چه غیراسلامی جلب شد به اینکه آیا چنین حکومتی نوپا و بی سابقه در عرصه بین الملل می تواند کشوری را با تز جدید «اسلامی» اداره کند یا نه؟ این مسأله اهمیت و ضرورت توجه به این موضوع را بیشتر می کند.

از موارد دیگری که اهمیت و ضرورت بحث در این موضوع را بیشتر می کند تغییر، تحول و پیشرفتی است که در جامعه ایجاد می شود و همچنین ایجاد و گسترش روابط بین المللی که بین کشورها برقرار می شود.

از جمله موارد دیگر اینکه احکام حکومتی را می توان به عنوان یک منبع و مأخذ حقوقی در نظام حقوقی اسلام مورد استناد قرار داد و کاربرد آن در حقوق بین الملل اسلام نیز کاملاً قابل توجه است.

فرضیه تحقیق

۱. احکام حکومتی با توجه به مصالح نظام و مصالح عمومی جامعه صادر می‌شود.
۲. در احکام حکومتی زمان و مکان تاثیر دارد.
۳. در بعضی موارد احکام حکومتی مخالف با احکام اولیه و ثانویه می‌باشد.
۴. وجود احکام حکومتی در فقه شیعه دلالت بر پویایی فقه شیعه می‌کند.

اهداف تحقیق

این پایان نامه به دنبال تکمیل مطالب موجود در کتابها و مقالات و برای نیل به پنج هدف زیر می باشد:

۱. تبیین علت و فلسفه احکام حکومتی.
۲. بررسی فرق بین احکام حکومتی و احکام اولیه و ثانویه.
۳. بررسی اقوال فقهاء و نظرات حقوقدانان در مورد احکام حکومتی.
۴. تبیین جایگاه احکام حکومتی در قانون.
۵. تبیین جایگاه و موارد صدور حکم حکومتی در فقه.

فصل اول:

بررسی و تحلیل مفهوم احکام حکومتی در فقه شیعه و اهل سنت

مقدمه

شیعه و اهل تسنن در منابع فقه با یکدیگر تفاوت اساسی دارند به خاطر اینکه شیعه، فقہش را از اهل بیت «علیهم السلام» گرفته ولی اهل سنت از غیر معصوم اخذ کرده است و چون حکومت از دیدگاه شیعه اینست که «معصوم علیه السلام» یا نائب حضرت، حکومت کند. ولی در نظر اهل سنت روشهای مختلفی برای تشکیل حکومت و انتخاب حاکم است. با توجه به این دو مطلب، احکام حکومتی و صدور آن از نظر شیعه و اهل تسنن تفاوت اساسی دارد؛ لذا به خاطر این اختلاف و با توجه به این دو نظر، احکام حکومتی را در این فصل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث اول: تبیین مفاهیم اساسی تحقیق

۱. مفهوم لغوی حکم

«حکم» به ضم «حاء» به دلیل کاربرد در موارد مختلف در معانی گوناگون به کار می‌رود. در فرهنگ لغات عربی برای واژه حکم، معانی زیادی بیان شده است؛ از جمله، «سعید الشرتونی» در «اقرّب الموارد»، حکم را به معنای قضاوت و در اصل به معنای منع می‌داند و جمع آن را احکام بیان می‌کند. (الشرتونی، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۲۱۸)

واژه حکم عربی است و جمع آن احکام است حکم را لغت شناسان به معنی قضاوت عادلانه دانش حکمت اتقان بازداشتن فقه فرمان حکومت برگرداندن و آنچه در آن اضطراب و سستی نیست و قطعی و جزمی بودن هر چیزی دانسته‌اند.

خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب العین نوشته است:

«کل شیء منعه من الفساد فقد حکمته و حکمته و احکمته...». (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۴۱۱)

«حکم، تحکیم و احکام به معنای بازداشتن چیزی از فساد است»

ابن اثیر می‌نویسد یقال: احکمت فلانا ای منعه و به سمی الحاکم، لانه یمنع الظالم. (ابن اثیر، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۲۰) احکمت فلانا به معنای بازداشتن است و از این رو حاکم را حاکم نامیده‌اند؛ زیرا حاکم بازدارنده ظالم (از ظلم) است.

ناظم الاطبا در فرهنگ نفیسی آورده است: حکم ماخوذ از تازی: امر و فرمان و منشور و فرمان و فرگفت و فرمایش و اذن و اجازه و فتوا و زیرکی و معرفت و در اصطلاح منطق اثبات امری که قائل را سکوت بر آن صحیح باشد. (نفیسی «ناظم الاطبا»، ۱۳۱۷ش: ج ۲، ص ۱۲۶۸)

جوهری در صحاح نوشته است:

«واژه حکم» مصدر «حکم بینهم یحکم» به معنای قضاوت و حکمت است و به دانشوران و خردمندان حکیم می‌گویند و نیز به کسی که کاری را استوار و از سراتقان به انجام رساند. تازیان هر کاری را متقن و مستحکم به فرجام رسانند می‌گویند: «احکمت الشیء فاستحکم». (جوهری، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ص ۱۹۱)

علامه جوادی آملی می‌فرمایند: حکم در لغت به معنای امر کردن، فرمان دادن و دستور آمده است. برخی از اهل لغت در معنای آن گفته‌اند: «القضاء و اصله المنع، يقال: حکمت علیه بكذا: اذا منعه من خلافه و حکمت بین القوم، فصلت بینهم فانا حاکم؛ يقال: الحکمه، لانها تمنع صاحبها من اخلاق الرذائل».

پس حکم در لغت به معنای قضا و منع است؛ حکم کردن، یعنی کسی را از مخالفت دستور منع نمودن و در اصطلاح عرف، اسناد امری به امر دیگر است به ایجاب یا سلب و در میان اهل منطق، نفس اسناد را گویند که ادراک آن تصدیق می‌باشد؛ خواه ایجابی یا سلبی. حکم در اصطلاح فقه و اصول، خطاب ذات اقدس باری تعالی به مکلفان است که به دو نوع تکلیفی و وضعی تقسیم می‌شود.

لکن از سخنان خلیل بن احمد فراهیدی و جوهری و ابن منظور بدست می‌آید که مدلول اصلی و محوری «حکم» اتقان، استواری و قوت است بگونه‌ای که فساد و اخلاقی را به خود راه نمی‌دهد. خلیل بن احمد بر این باور است که هر گاه کاری را بگونه‌ای به فرجام رساندی که هیچ‌گونه سستی در آن راه نیابد و اتقان آن، آن را از هر ضعف و سستی باز دارد، حکم، احکام و تحکیم بر آن گفته می‌شود. و معانی دیگر بگونه‌ای به آن باز می‌گردد.

برخی از اهل لغت «حکم» را به معنای «بازداشتی مصلحت اندیشانه» دانسته‌اند و بدین مناسبت، اطلاق «حکمه الدابه» به افسار و دهان‌بند حیوان را نیز از همین حیث می‌دانند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۱۲۶)